

نگاهی به کتاب بازناندیشی در مباحثی از نشر و ویرایش

رضا یکرنگیان

(مدیر انتشارات خجسته)

● بازناندیشی در مباحثی از نشر و ویرایش

● عبدالحسین آذرنگ

● چاپ اول، ۱۳۸۴

● ۲۳۲ ص. رقعی

● انتشارات ققنوس - ۲۱۰۰ ریال

مجموعه مقاله؛ دارای نمودار، نمایه و عنوان انگلیسی در صفحه آخر.

توضیح: مطالب داخل گیومه «» از متن کتاب است.

شروع تاریخ نشر، زمانی است که برای اولین بار از نسخه‌ای دستنوشته، استنساخ شده و تاریخ آن، بر ما معلوم نیست. در طول ۵ قرن که از اختراع ماشین چاپ می‌گذرد، در سایه لطف این «گرانبهاترین اختراع تاریخ»، بشر «از عالی‌ترین، گرانبهاترین دستاوردهای بشری آگاهی پیدا کرد». توسعه‌ی دانش و فرهنگ شتاب روز افزونی گرفت و نشر کتاب که «آمیزه‌ای از علم، فن، هنر، صنعت و مهارت» است مراحل گوناگون تکامل را تا به امروز طی کرده و می‌کند. نشر کتاب «شاخه‌هایی از هنرها را به خدمت خود می‌گیرد» و در طول این ۵ قرن به امر مهم و بسیار با ارزش انتقال پیام از «پدید آورنده به خواننده» پرداخته است. همان طور که فناوری در تمام زمینه‌ها به پیشرفت‌های چشمگیر دست یافته است، صنعت نشر نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای آگاهی از چگونگی این تحول و پیشرفت فناوری نشر کتاب در ایران، به اثر ارزنده و باارزش عبدالرحیم جعفری، بنیانگذار انتشارات امیرکبیر به نام در جستجوی صبح که در ۲ مجلد توسط انتشارات روز بهان منتشر شده است، مراجعه کنید.

امروزه موج فناوری علاوه بر نشر کتاب، «رسانه‌های دیداری و شنیداری و یا ترکیبی از دیداری و شنیداری» را شامل می‌شود. رسانه نشر کتاب در طول تاریخ نشر به ۳ دوره تقسیم

می‌شود: ۱) «عصر پیشاچاپ»؛ که «نسخه‌های خطی را شامل می‌شود»، ۲) «عصر چاپ»؛ که مربوط می‌شود به «اثر چاپ شده، عمدتاً کتاب و نشریات...»، ۳) «عصر پسا چاپ»؛ در این عصر، شاهد پیشرفت و دگرگونی سریع فناوری چاپ هستیم و «رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتال یا ترکیبی از رسانه‌های الکترونیکی و غیر الکترونیکی و معروف به چند رسانه‌ای» هر لحظه در حال پیشرفت فنی هستند «ما اکنون در عصر پسا چاپ هستیم».

با وجود پیشرفت سریع و لحظه‌ای فناوری رسانه‌ای که کتاب هم یکی از شاخه‌های آن است؛ نه در ایران، بلکه در جهان برای رسانه کتاب و چاپ آن که همان «صنعت نشر» است ارزشی همپای سایر علوم و فنون قایل نشده‌اند و هنوز، نشر، که یکی از پایه‌های اصلی گسترش فرهنگ هر سرزمین است، نتوانسته به عنوان یک «رشته دانشگاهی وارد دانشگاه شود» البته به جز چند کشور انگشت شمار که به این رشته توجه کرده‌اند و تارتیه کارشناسی ارشد برای آن اهمیت قایل شده‌اند، در سایر کشورها وارد کردن این رشته به صورت یک رشته دانشگاهی فراموش شده است.

اما «ارتباطات»، رسانه همدیفا آن، که سابقه تاریخی کمتری هم نسبت به «رسانه کتاب» دارد، توانسته است «تا سطح دکتری در دانشگاه‌ها ارتقا پیدا کند».

تحول لحظه به لحظه‌ای فناوری که «نشر نیز از این پدیده مستثنی نیست» موجب شده است که «ویرایش به عنوان یکی از پایه‌های اولیه نشر» کنونی «قد علم» کند و نیاز به «ویراستار و ویرایش متون را آشکار» سازد.

«ویرایش در بستر نشر معنی می‌دهد و متنوع کردن آن از نشر، ما را از دگر واقعیت امر دور می‌کند».

بروز تحول‌های چشمگیر، بخصوص استفاده از رایانه، دامنه گسترش «انتقال اطلاعات» را در پهنه گیتی وسیع‌تر ساخته است. این گسترش انتقال اطلاعات، هر لحظه تحت تأثیر دست‌آوردهای جدید فناوری به شکل‌های گوناگون انجام می‌شود، به طوری که بشر مجبور است دانش خود را «به روز» کند در غیر اینصورت از قافله «انتقال اطلاعات» عقب می‌ماند.

«هر چیزی که به آزادی این جریان و انتقال خدشه وارد کند، مانع قلمداد می‌شود و بسان مانع‌هایی که سر راه گسترش جغرافیای جهان در عصر مدرن بود و برداشته شد، در عصر پسامدرن هم باید برداشته شود».

تحول‌های فناوری آنچنان سریع انجام می‌شود که تقریباً برای بشر غیر مسکن است پیش‌بینی کند در ۵ سال آینده، فناوری مربوط به نشر و ارتباطات و انتقال اطلاعات چگونه خواهد بود. ۳۰ سال پیش حتی به مخیله کسی خطور نمی‌کرد که بتواند روزی به «CDهای



● رضا یکرنگیان

دیجاری و شنیداری» دست پیدا کند و به واسطهٔ «شبکهٔ جهانی اینترنت» بتواند به دور افتاده‌ترین نقطه‌های جهان وصل شود.

«در عصر مدرن»، خواننده تبدیل به «بیننده و شنونده» می‌شود و به راحتی با استفاده از چند نرم‌افزار کامپیوتری می‌تواند به هر کجا - بجز مراکز مهم و امنیتی و سرّی کشورها - وصل شود و اطلاعات لازم را کسب کند. پژوهشگران توسط email می‌توانند با نخبگان علم، در هر کجای دنیا، ارتباط برقرار کنند و تبادل افکار و اندیشه نمایند. «در عصر پسا مدرن... نشر هر گونه مانعی و واسطی» را که «میان خود، پدید آورنده و خواننده» ایجاد شود، حذف می‌کند... [و] امکان دانش گسترده در مقیاس‌های وسیع را فراهم می‌آورد... آخرین امکانات سرعت و سهولت را در خدمت تولید و انتقال قرار می‌دهد... یک اثر را می‌توان به طور هم‌زمان در نقاط مختلف دنیا و کاملاً همسان منتشر کرد.»

در این میان، نقش دولت چیست؟ آیا اقدام به کارهای سطحی از قبیل: وام بانکی با بهره کم، واگذاری کاغذ سوپسیددار، در اختیار قرار دادن بن خرید کتاب می‌تواند موجب تقویت نشر شود؟ آیا «ترویج نوعی در روزگاری و تحکیم گونه‌ای از وابستگی [به دولت]» کمک به صنعت نشر است؟

وظیفهٔ هر دولتی که خود را متولی امور فرهنگی هم می‌داند می‌بایست ایجاد «زیر ساخت

لازم متناسبی [باشد] که [حتی] نشر محلی هم بتواند بر بنیاد آن رشد کند.» و این امر، از «وظیفه‌های عدول‌ناپذیر دولت است و دولت نباید هیچ عذر و بهانه‌ای برای اقدام نکردن در خصوص آن [ایجاد زیر ساخت مناسب] یا حتی تأخیر و درنگ در آن» داشته باشد.

کمک‌های مالی دولت‌ها کمترین کمکی به رشد چرخه اقتصادی ناشران نمی‌کند. ولی این امر باعث شده است که دولت‌ها ناشران را مدیون خود و صنعت نشر را تبول خود بدانند.

بنابراین، دولت موظف است «زیر ساخت‌ها [ی نشر] را مستقر و ایجاد کند و استفاده از حقوق نشر... [و] دستیابی به اطلاعات را برای ناشران سراسر کشور» مهیا گرداند و بنابراین، «ناشرانی که رزق آنها به معاملات کاغذ، اخذ وام و کار با آن در زمینه‌های دیگر و سر هم کردن چند کتاب لاغر قلبی» پیوسته است، حذف می‌شوند و «نشر راستین بر بنیادهای قابل اطمینان و اتکای زیر ساخت‌های خود رشد می‌کند...»

دولت‌ها علاوه بر «ایجاد و استقرار زیر ساخت‌های نشر» و حفظ و ارتقای آن، وظیفه دارند که تصدی‌های گوناگون نشر را به عهده تشکّل صنفی نشر که همان اتحادیه ناشران و کتابفروشان است، بگذارند و اموری را که مربوط ناشران و اتحادیه آن‌ها است بر عهده خودشان باشد.

شناخت «جایگاه رسانه کتاب» امری بسیار مهم است که دولت‌ها باید این «جایگاه» را «تشخیص» دهند و کسانی که مأمور تشخیص «جایگاه رسانه کتاب» می‌شوند باید بدانند که قدم در جایگاه فرهنگ سرزمین ابن سیناها، مولوی‌ها و فردوسی‌ها و و گذاشته‌اند و عملکرد آن‌ها در تاریخ ثبت می‌شود و آیندگان براساس گزارش تاریخ، در مورد آنان قضاوت خواهند کرد.

«جایگاه رسانه کتاب» چیزی نیست که شامل مرور زمان شود و از حافظه تاریخی ملتی پاک شود. «رسانه کتاب را دیگر نمی‌توان تحت نظارت‌هایی قرار داد که پیش از این در میان شماری از کشورها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، معمول بود. تاریخ سانسور گواه بر تاریخ ناکامی است و نیز تاریخ ننگ و بدنامی قدرت‌هایی که گمان می‌کرده‌اند می‌توان اندیشه، آرمان، احساس و منطق بشری را به مسیری انداخت که مصالح قدرت اقتضا می‌کند. کارآمدی رسانه کتاب، در گروی آزادی است. دولت‌ها با تصویب و اجرای قانون‌هایی که ساحت کتاب را از گزند تعرض و تهدید مصون دارد، می‌توانند امنیت فکری جامعه را تأمین کنند و به شکوفایی معنوی جامعه یاری برسانند. هر گونه سانسور براساس اصل‌های ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت تمام ممنوع شده است.» «به موجب آیین نامه‌ای که شورای عالی انقلاب در بهار سال ۱۳۶۸ تصویب نموده است، ناشران (در حوزه کتاب بزرگسال) می‌توانند اثر خود را بدون دریافت مجوز منتشر کنند و اگر شکوه و شکایتی از کتاب آنها از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی صورت بگیرد، نهادهای قانونی در قوه قضائیه و دادگاه‌ها به شکایت‌های آنها



رسیدگی کنند.» (روزنامه کارگزاران، شماره ۵، ۱۳۸۵/۲/۱۳، ص اول، ستون اول).

پیشرفت لحظه به لحظه فناوری باعث شده است از اواخر سده بیستم «نشر الکترونیکی» پا به عرصه وجود بگذارد. «نشر الکترونیکی» در حالی قدم به میدان گذاشته است که شبکه‌های مختلف الکترونیکی از قبیل: اقتصاد شبکه‌ای، اطلاعات و ارتباطات شبکه‌ای و و هر کدام بخش مهمی از «جامعه شبکه‌ای» کشورها را اداره می‌کنند: «در زیر تاثیر مستقیم فناوری شبکه‌ای است» که نشر سنتی مجبور است خود را با این تحول همراه کند. زیرا «کالای کتاب از دیدگاه اقتصاد شبکه‌ای، فقط مجموعه‌ای است دیجیتال... که... به صورت دیجیتالی از نقطه‌ای به نقطه‌های دیگر فرستاده» می‌شود. «ناشران بزرگ دنیا» خطر «نشر الکترونیک» را برای «کتاب چاپی (پی بوک)» حس کردند و «اگر... دیر جنجیده بودند، بی تردید [با] ورشکست می‌شدند یا بازارهای مهمی را از دست می‌دادند و پدیدآورندگان بسیاری از آن‌ها روی بر می‌تافتند و خوانندگان فراوانی از آن‌ها می‌گریختند...»

«ناشران کتاب چاپی (پی بوک)» می‌بایست فناوری دیجیتالی را بکار گیرند و از آن استفاده کنند. در این صورت است که «کتاب چاپی هیچ‌گاه نخواهد مرد... هیچ متخصص و آگاهی از مرگ کتاب سخن نمی‌گوید... بحث بر تحولی است که در نشر رخ داده است و این تحول همچنان ادامه دارد... این‌ها واقعیت‌های غیرقابل انکاری است. واقعیت‌هایی که نه بر مرگ «پی بوک» که بر حیات «پی بوک» گواهی می‌دهد.»

بخش دوم: ویرایش

«ویرایش هم اکنون یکی از شاخه‌های علوم نشر است...» ویرایش، هم در «رسانه‌های کاغذی» و هم در «رسانه‌های غیر کاغذی» کاربرد اساسی دارد. زیرا «ویرایش هم دانش است و هم مهارت و هنر...»

ویراستاران هستند که به دانش و تجربه می‌دانند هر پیامی را خطاب به چه کسانی در چه مدت زمانی و با چه زبان و اصطلاحی و «با چه ترتیب و تنظیمی...» منظم کنند. با توجه به این که «از عمر ویرایش جدید در ایران زیاد نمی‌گذرد، اما همین ویرایش جوان بر اثر سرعت تحولات، اکنون در کنار نشر سنتی جای گرفته است...»

ویرایش، جایگاه مهمی در «علوم نشر» دارد و حضور ویراستاران در مؤسسه‌های انتشاراتی یک امر ضروری است اما «در جامعه ما اکنون به درستی نمی‌توان جایگاه و ارزش ویرایش و ویراستار را در روند عمومی تولید آثار تعیین کرد...» و «... معیار پذیرفته و توافق شده‌ای در دست نیست که حاصل کار ویرایش را چگونه باید ارزیابی کرد یا مرز آن را تعیین نمود...» زیرا هنوز برای ویرایش تعریف واحدی معلوم و مشخص نشده است و همچنین برای ویراستار.

کاربرد و جایگاه ویرایش هنوز نه برای ناشران و نه برای ویراستاران (چه ویراستاران متخصص و چه ویراستارانی که خود را متخصص می‌دانند) معلوم نیست و ویرایش در جامعه کنونی نشر، در بالاترین سطح به سر می‌برد از یک طرف «... عمده قابل توجهی به خود حق داده‌اند، به صرف بهره‌ای از تحصیل یا تجربه در حوزه ادبیات فارسی یا آشنایی با زبانی خارجی و توان مقابله ترجمه و متن، خود را ویراستار بنامند و به عملیاتی که در «اثر» انجام می‌دهند، نام ویرایش بنهند.» در حالی که «ویراستاران انواع گوناگون دارند که براساس اطلاعات و دانش آنان تقسیم‌بندی می‌شوند و مسؤولیت‌های متعددی بر عهده خواهند داشت... آثار مختلف ادبی، هنری، علمی و شاخه‌های دیگر، [به] ویراستاری با اطلاعات و آگاهی‌های همان حوزه... نیاز دارند.»

اکنون، عدم حضور ویراستاران ارشد و ویراستاران متخصص در زمینه‌های گوناگون - ادبی، هنری، علمی و و - چه در رسانه کتاب و چه در رسانه‌های عمومی اعم از صدا و سیما و نشریات، به نحو قابل توجهی به چشم می‌خورد. در این میان، پافشاری برخی از پدید آورندگان بر صحت و درستی «اثر» خود و این که اثرشان نیاز به ویرایش ندارد و می‌بایست بدون کم و کاست و دستکاری چاپ و منتشر شود، بی‌تأثیر نیست.

این عده اندک از پدیده آورندگان، در مورد صحت ادعای خود دلیل‌های متعدد دارند، از

جمله:

۱. کار (اثر) من درست است و احتیاج به ویرایش ندارد.
 ۲. چه کسی کار من را ویرایش کند؟ آیا اطلاعات او، همسنگ من است؟
 ۳. زیاد قضیه را جدی نگیرید. مردم همین طور «اثر» را می‌خوانند و متوجه کم و کاست آن نمی‌شوند.
 ۴. قبل از این «اثر»، آثار زیادی از من - بدون ویرایش - چاپ و منتشر شده‌اند و تاکنون هیچ کس انتقادی نسبت به آن‌ها نداشته است.
 ۵. من کار (اثر) را همین طور که تحویل می‌دهم باید چاپ شود؛ نه یک ویرگول کمتر، نه یک ویرگول بیشتر.
- ناشران رساله‌کتاب و نشریات وقتی در مقابل ۵ مورد اشاره شده در بالا قرار می‌گیرند، سر در گم می‌شوند، نمی‌دانند که آیا باید به اعاده‌های پدید آورنده اعتماد کنند یا نه.
- ولی آنچه مسلم است آن است که ویرایش و نسخه‌پردازی دو رکن اصلی نشر هستند، و ویراستاران و نسخه‌پردازان متخصص سرانجام جای خود را در رسانه‌های «کاغذی و غیرکاغذی» پیدا می‌کنند.
- کتاب *بازاندیشی در مباحثی از نشر و ویرایش*، اثری باارزش است و مطالعه آن برای مسؤولان دولتی فرهنگ کشور و ناشران بسیار مفید می‌باشد. زیرا هم مسؤولان دولتی فرهنگ کشور و هم ناشر باید بدانند که در چه دوره‌ای از فناوری نشر قرار گرفته‌اند.
- امیدواریم که دولت‌ها فقط به فکر استقرار «زیر ساخت‌های نشر» باشند و اگر اقدامی می‌کنند در جهت امنیت شغلی ناشران و پدید آورندگان باشد.
- کتاب حاضر، حاصل گوشه‌ای از پژوهش‌ها و تدریس در کلاس‌های حوزه نشر در مدت زمانی حدود ۳۰ سال می‌باشد و نشان می‌دهد که استاد آذرننگ به تمام نکات مربوط به صنعت نشر اشراف دارد، و می‌داند که زمانی صنعت نشر در ایران می‌تواند به صنعتی زنده و پویا در آید که موارد پایه‌ای مثل:
۱. «استقرار زیر ساخت‌های صنعت نشر توسط دولت»‌ها، ۲. «کاهش تصدی‌گری دولت در امور نشر»، ۳. «حق استفاده از حقوق نشر» برای تمام ناشران»، ۴. «دستیابی به اطلاعات [یکسان] برای ناشران سراسر کشور» توسط دولت‌ها ایجاد و رعایت شود.
- همان طور که در کتاب آمده است، «یارانه»‌های دولت جز «ترویج نوعی در یوزه‌گری و تحکیم گونه‌ای از وابستگی [به دولت]» ثمری ندارد و نمی‌تواند کمر صنعت نشر را که زیر بار فشارهای گوناگون خم شده است، راست کند.
- ناگفته پیداست که «ناشرانی که رزق آن‌ها به معاملات کاغذ و اخذ وام» بسته است، درین

مقوله جایی ندارند. منظور از ناشر، ناشرانی است که روی پای خود ایستاده‌اند و رنج و تعب را به جان می‌خرند و دلخوش هستند که بانیان فرهنگ سرزمین کهن ایران می‌باشند.

انتشارات چشمه منتشر کرده است:

- * آموزش مردمی و دموکراسی در سوئد / استفان ادرسن / ترجمه و تألیف:
منوچهر حقیقی راد / ۱۱۵ صفحه / ۹۰۰ تومان
- * بوم‌شناسی علم عصیانگر (مجموعه مقالات کلاسیک در بوم‌شناسی) /
انتخاب و ترجمه: عبدالحسین وهاب‌زاده / ۳۵۲ صفحه / ۲۸۰۰ تومان
- * زستبوم و پایان پست مدرنیته / جرج مایرسون / ترجمه محمدرضا
ریعیان / ۷۲ صفحه / ۱۵۰۰ تومان
- * آرامش برون، آتش درون (آموخته‌های یک فیلم‌ساز) / ساتیا جیت‌رای /
ترجمه کاظم فرهادی / ۱۲۸ صفحه / ۲۲۰۰ تومان
- * آئین شناخت / علی حصوری / ۸۶ صفحه / ۱۵۰ تومان
- * میدان ایتالیا (یک داستان مردمی در سه زمان) / آنتونیو تابوکی / ترجمه
سروش حبیبی / ۱۶۴ صفحه / ۱۵۰۰ تومان
- * پیله و پروانه / ژان دومینیک بوری / ترجمه: فریبا تنباکوجی - میچکا
سرمدی / ۱۲۶ صفحه / ۱۰۰۰ تومان
- * ه. ا. سایه، آینه در آینه (برگزیده شعر) / به انتخاب دکتر محمدرضا
شفیعی کدکنی / ۲۲۴ صفحه / ۲۲۰۰ تومان
- * قطار به موقع رسید / هاینریش بل / ترجمه: کیکاووس جهانداری / ۱۶۷
صفحه / ۱۵۰۰ تومان

نشر چشمه: تهران - خیابان کریمخان زند - نبش میرزای شیرازی

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶